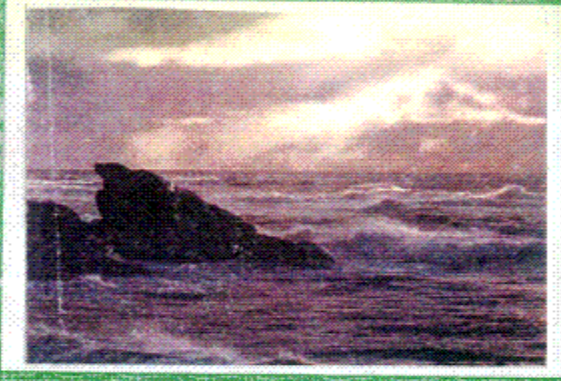




چرا خدای نیکو
اجازه می‌دهد که
درد و رنج باشد؟



نویسنده: کورت دو هان
مترجم: سارا گواهی

چرا خدای نیکو اجازه می‌دهد که درد و رنج باشد؟
 این یک پرسش قدیمی است. چهار هزار سال پیش، فردی که از نظر شخصی، خانوادگی و مالی ورشکسته و قربانی گردیده بود، رو به آسمان ساکت کرد و استدعا نمود: «مرا یفهمان که از چه سبب با من منازعت می‌کنی؟ آیا برای تو نیکوست که ظلم نمایی و عمل دست خود را حقیر شماری و بر مشورت شیرین بتابی؟ دستهایت مرا جمیعاً و تماماً سرشته است و مرا آفریده است، و آیا مرا هلاک می‌سازی؟» (ایوب ۲:۱۰، ۳ و ۸). اینها پرسشهایی هستند که هنوز هم پرسیده می‌شوند. «آیا خدا از من متنفر است؟ چرا او اجازه می‌دهد که من اینگونه رنج ببرم؟ چرا من و نه سایرین؟»

برای این پرسشها، پاسخهایی هم وجود دارند. البته این پاسخها جامع نیستند، اما برای درک مسأله رنج کافی هستند، و به ما نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از این زحمات به نفع خودمان استفاده کرد. در صفحات بعدی، «کورت دو هان» (Kurt De Haan) نویسنده و یکی از کارکنان «خدمات رادیویی کتاب مقدس» RBC به ما نشان می‌دهد که اگر چه ممکن است آسمان ساکت باشد و خداوند به تمام پرسشهای ما پاسخ ندهد، لیکن او تنها کسی است که در رنج و درد، ما را به سوی خودش می‌خواند و به ما آن پاسخهایی را می‌دهد که جهت اعتماد کردن و دوست داشتن او، به آنها نیازمندیم.

مارتین ر. دو هان

چرا خدای نیکو اجازه می‌دهد که درد و رنج باشد؟

نویسنده: کورت دو هان

مترجم: سارا گواهی

پاسخهای غیرقابل فهم

درک زندگی می‌تواند امری دشوار باشد. ما در تلاش برای کنار آمدن با فشارها و نوسان واقعیت‌های سرد وجودیمان، بزودی دل‌سرد و نومید می‌شویم. مشکلی بسیار عظیم به نام رنج وجود دارد که ما مشتاقانه در پی یافتن پاسخی برای آن هستیم. حتی اگر دلیل وقوع اتفاقات بد برای اشخاص خوب، و وقوع اتفاقات خوب برای اشخاص بد را بطور کامل هم درک نماییم، باز ممکن است متحیر شویم. به نظر می‌رسد که اغلب اوقات، پاسخها غیر قابل درک، پوشیده و دور از دسترس هستند. وقتی که به این وقایع می‌اندیشید چه احساسی به شما دست می‌دهد: یک تروریست به وسیله بمب خودش کشته می‌شود. یک راننده بی احتیاط در طی یک تصادف فاجعه می‌آفریند. شخصی با آتش بازی می‌کند و سوخته می‌شود. یک سیگاری گرفتار سرطان ریه می‌شود. اما از اینها گذشته، نظرتان در مورد این وقایع چیست: مردان و زنان و کودکان بی‌گناه، به وسیله بمب یک تروریست کشته می‌شوند. راننده‌ای جوان از ضایعه شدید مغزی رنج می‌برد، چون راننده‌ای مست از مسیر خود منحرف شده و با او تصادف کرده است. خانه شخصی بدون اینکه خودش مقصر باشد، آتش می‌گیرد. کودکی دو ساله از بیماری لوسمی (سرطان خون) رنج می‌برد. ادعای یافتن یک پاسخ کامل به این پرسش که چرا خدا اجازه می‌دهد درد و رنج وجود داشته باشد، می‌تواند مخاطره‌انگیز، و حتی احمقانه باشد. دلایل متعدد و پیچیده‌ای وجود دارند. صحیح نیست اگر فکر کنیم که ما

| صفحه | فهرست |
|------|---|
| ۳ | پاسخهای غیرقابل فهم |
| ۶ | چرا خدای نیکو اجازه می‌دهد که درد و رنج باشد؟ |
| ۸ | برای هشدار دادن به ما |
| ۲۱ | برای هدایت نمودن ما |
| ۲۹ | برای شکل دادن به ما |
| ۳۶ | برای متحد ساختن ما |
| ۴۱ | شما چگونه می‌توانید کمک کنید؟ |
| ۴۴ | بهبود از هر پاسخ |

باید علت را بفهمیم. هنگامی که ایوب، آن مرد رنج‌دیده عهد عتیق، این موضوع را فهمید که او هیچ حقی برای یافتن پاسخی از خدا ندارد، چنین گفت: «لکن من به آنچه نفهمیدم تکلم نمودم؛ به چیزهایی که فوق از عقل من بود و نمی‌دانستم» (ایوب ۳:۴۲).

اما خدا به ما پاسخی داده است. اگر چه ممکن است قادر به دانستن این مطلب نباشیم که چرا یک نفر از بین بسیاری از افراد، بیمار می‌شود، اما می‌توانیم دلایل به وجود آوردن بیمار را بشناسیم. حتی ممکن است دلیل رویارویی با یک مشکل شناخته شده و واقعی را درک نکنیم، لیکن چگونگی برخورد با آن موقعیت و عکس‌العمل خداپسندانه نشان دادن را، می‌توانیم درک نماییم.

چو شک حقیقت رنج، جزرگترین مبارزه
خوردن با ایمان مسیحی را مشکل
می‌دهد. - جان استات

نکته دیگری هم وجود دارد. من قصد ندارم بگویم که آن رنج و زحماتی را که شما در زندگی تجربه کرده‌اید، کاملاً درک می‌کنم. اگر چه بعضی از مفاهیم درد بشری با هم نقاط اشتراکی دارند، لیکن استثنائات از یکدیگر متفاوت می‌باشند. و اکنون، بیشترین نیازی که دارید این نیست که فهرست چهار جانبی را که شامل این است که چرا رنج می‌کشید و در مورد آن چه باید بکنید، بدانید. بزرگترین احتیاج شما این است: یک گوش شنوا، یک آغوش گرم و پذیرا، یا کسی که فقط در کمال آرامش و

سکوت در کنارتان بنشینند. گاهی اوقات در کنار راه، ممکن است لازم باشد که حقایق کلام خدا به شما تسلی بخشند و شما را در دیدن وضعیت بدان از دیدگاه خدا یاری دهند.

من و شما به چیزی بیشتر از نظریه‌های ثابت نشده نیازمندیم. به همین دلیل است که در صفحات بعدی تلاش کرده‌ام که نظرات و احساسات کسانی را که از دردهای عاطفی و جسمانی رنج برده‌اند، جمع‌آوری کنم. دعای من برای شما این است که ایمانتان به خدا محکم‌تر شود؛ حتی زمانی که به نظر می‌رسد دنیایتان از هم می‌پاشد.

۵

۴

چرا خدای نیکو اجازه می‌دهد که درد و رنج باشد؟

در دنیای مملو از درد ما، خدا کی‌جاست؟ اگر او خدایی نیکو و رحیم است، پس چرا غالباً زندگی بیش از حد مرزناگیز است؟ آیا او اختیار امور را از کف داده است؟ یا اگر او اختیار امور را در دست دارد، چه منظوری را از انجام دادن این کارها برای من و سایرین دنبال می‌کند؟ بعضی از مردم وجود خدا را انکار می‌کنند چون نمی‌توانند تصور کنند که خدا اجازه وقوع چنین بدبختی‌هایی را بدهد. بعضی هم به وجود خدا ایمان دارند اما نمی‌خواهند که خدا با ایشان کاری داشته باشد، چون هیچ تصویری از اینکه خدا می‌تواند نیکو باشد، در ذهن خود ندارند. عده‌ای هم هستند که به خدای مهربانی ایمان دارند که ما را دوست دارد، لیکن اختیار این سیاره عاصی از دستش خارج شده است. اما هنوز هم هستند کسانی که محکم به این باور چسبیده‌اند که خدا دانا و قادر مطلق است؛ خدای پُر محبتی که از شرارت به نفع و به خیریت ما استفاده می‌کند.

ما با بررسی کتاب مقدس به خدایی برمی‌خوریم که می‌تواند هر کاری که بخواهد، انجام دهد. گاهی اوقات او با رحم و شفقت عمل کرده و معجزاتی را در نظر قوم خود به ظهور آورده است. بعضی اوقات هم او کاری برای متوقف ساختن وقایع تأسف‌بار نکرده است. فرض بر این است که خدا صمیمانه خود را درگیر مسائل زندگی ما می‌سازد، اما بارها نیز مشاهده شده که انگار قریدهای استمداد ما را نمی‌شنود. در کتاب مقدس، او ما را مطمئن می‌سازد که اختیار تمام اتفاقات را در دست دارد، اما گاهی اوقات هم

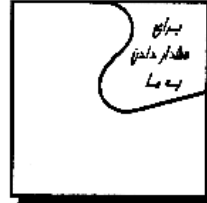
اجازه می‌دهد که ما در معرض حمله افراد شریر، ژنهای معیوب، و ویروسهای خطرناک یا خرابیهای ناشی از حوادث طبیعی قرار بگیریم.

اگر شما مثل من باشید، یا هم به دنبال راههایی برای پاسخ دادن به معمای رنج خواهیم رفت. من ایمان دارم که خدا قطعات کافی این پازل را به ما داده است تا به ما در اعتماد کردن به او کمک کند؛ حتی در مواقعی که تمام جوابهای لازم را هم در دست نداشته باشیم. در این مطالعه مختصر، خواهیم دید که کتاب مقدس با جوابهای اساسی موجود در خود، به ما می‌گوید که خدای نیکوی ما اجازه می‌دهد که در جهان ما درد و رنج وجود داشته باشد تا نسبت به مسأله گناه به ما هشدار دهد، تا ما را هدایت کند که در ایمان و امید به او پاسخگویش باشیم، تا ما را شکل دهد که بیشتر به شهادت مسیح درآییم، و تا ما را متحد سازد تا به یکدیگر کمک کنیم.

۷

۶

چرا درد و رنج؟



برای هشدار دادن به ما:

دنیایی عاری از درد و رنج را در نظر مجسم کنید. شبیه چیست؟ در وهله اول، چنین عقیده‌ای یسه نظر خوشایند و جالب می‌آید. نه کم‌دردی، نه ناراحتی معده‌ای، نه

احساس ناشی از وارد آمدن ضربه پکنش به انگشت شستمان، نه گلودردی. اما از اینها گذشته، هیچ احساسی هم که شما را از وجود یک استخوان شکسته یا رباط پاره شده آگاه کند، وجود نخواهد داشت. هیچ علامت هشدار دهنده‌ای، شما را از زخمی که معده‌تان را سوراخ می‌کند، آگاه نخواهد کرد. هیچ ناراحتی‌ای برای آگاه ساختن شما از وجود یک خنده سرطانی که تمام بدن شما را فرا می‌گیرد، وجود نخواهد داشت. هیچ گلودردی، شما را نسبت به امکان انسداد هورق قلبتان آگاه نخواهد ساخت. هیچ دردی که ناشی از ترکیدن آپاندیس باشد، احساس نخواهد کرد.

اگر چه ما از درد بدنتان می‌آید، اما مجبور به پذیرفتن این واقعیت هستیم که غالباً در پس هر درد، قصد و منظوری نیکو وجود دارد. هنگامی که اشکالی وجود دارد، درد ما را از آن آگاه می‌سازد. مشکل واقعی، خود رنج و عذاب به تنهایی نیست، بلکه علت آن است. درد فقط یک علامت است. آزر یا زندگی که به صدا درمی‌آید تا به

ما بگوید که قسمتی از بدنتان مورد حمله واقع شده یا در خطر است.

در این قسمت، به این مطلب می‌پردازیم که چطور درد و رنج می‌تواند روش خدا برای هشدار دادن به ما باشد که:

(۱) اشکالی در دنیا وجود دارد.

(۲) اشکالی در مخلوقات خدا وجود دارد.

(۳) اشکالی در من وجود دارد.

هر یک از این اشکالات می‌تواند علت درد در زندگی ما باشد. بیایید به هر یک از این تشخیص‌های احتمالی نظری بیندازیم.

(۱) اشکالی در دنیا وجود دارد؛ وضعیت اسفناک

سیاره ما دال بر این است که اشکال و اشتباه، دهشتناکی رخ داده است. رنجی را که ما تجربه می‌کنیم و آن فشاری را که در دیگران احساس می‌کنیم، دال بر این است که درد و رنج بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های نژادی، شان اجتماعی، مذهب و یا حتی اخلاقیات، نصیب همه می‌شود. رنج می‌تواند وحشیانه، تصادفی، بی‌هدف، دور از انتظار و بسیار خارج از کنترل ما باشد. اتفاقات بد برای افرادی رخ می‌دهند که سعی می‌کنند آدمهای خوبی باشند و اتفاقات خوب برای آن دسته از اشخاصی که از بد بودن لذت می‌برند.

به نظر می‌رسد که هر یک از ما، زشتی و بی‌عدالتی رنج و زحمت را از نزدیک لمس کرده‌ایم. آن زمانی را که خاطر می‌آورم که مادر بزرگم به علت بیماری سرطان در حال مُردن بود. پدر بزرگ و مادر بزرگ به خانه ما نقل مکان کردند. مادرم که پرستار رسمی بود، در ماههای آخر عمر مادر بزرگ، مراقبت از او را به عهده گرفت. مادر آن

موهبت عظیم و خدادادی آزادی فردی و توانایی انتخاب که به هر کدام از ما داده شده، احتمال تصمیم‌گیری‌های نادرست را هم در بر دارند.

کتاب مقدس رد چاه دخول رنج و شرارت چه جهان را در آزاد چشتر فحشام می‌دهد. آزادهای که بسیار عظیم و در عین حال دهشتناک است. - فیلیپ یانگی

اگر قرار باشد که شما مخلوقی باشید با تفکر آزاد و در دنیایی زندگی کنید که انتخابات نادرست منجر به رنج و زحمت می‌شوند، و یا در این دنیا آدم آهنی‌ای باشید بدون درد و رنج، کدامیک را بر می‌گزینید؟ کدام یک بیشترین جلال را از آن خداوند می‌سازد؟ کدام یک او را بیشتر دوست خواهد داشت؟

نحوه خلقت ما می‌توانست نظیر عروسکهای باتری‌داری باشد که وقتی آنها را در آغوش می‌گیرند، می‌گویند «دوست دارم». اما خدا نقشه‌های دیگری داشت. او این «امر خطیر» را بر خود پذیرفت که خالق موجوداتی باشد که به طرز غیر قابل تصویری، بر علیه خالق خود عصیان ورزند.

در باغ عدن چه اتفاقی افتاد؟ وسوسه، انتخابهای نادرست و پیامدهای ناگوار. آرامش آدم و حوا را تباہ نمود. جزئیات مندرج در کتاب پیدایش بابهای ۲ و ۳ نشان می‌دهند که چگونه شیطان، محبت آنها را نسبت به خداوند امتحان کرد و آنند سقوط نمودند. در اصطلاح کتاب مقدس، آن سقوط را گناه می‌نامند. همچنان که

درد کشنده را به نحوی تسکین می‌داد. پدر بزرگ نومیدانه از همسرش می‌خواست که سلامتی خود را بسازد. سرانجام آن روز فرا رسید، روزی که بدن رنجور و ضعیف او در تابوت قرار گرفت و تابوت، او را از ما جدا کرد. در آن زمان من فهمیدم که او به آسمان رفته، اما لطمه ناشی از مرگ او هنوز هم باقی بود. من از بیماری سرطان مستنفر شدم و این تنفر هنوز هم در من وجود دارد.

وقتی که می‌نشستم و به رنجی که دوستان و همکاران، خانواده، همسایگان و خانواده کلیسایی‌ام تجربه کرده‌اند فکر می‌کنم، به سختی می‌توانم این فهرست طولی را باور کنم و به گمانم این فهرست ناقص است. اغلب رنج و درد این اشخاص تقصیر خودشان نیست. یک تصادف، یک نقص مادرزادی، یک اختلال ژنتیکی، سقط جنین، یک والد بد رفتار، یک درد مزمن، یک کودک عصابی، یک بیماری شدید، یک مرض نادر، مرگ همسر یا فرزند، یک رابطه قطع شده، ویرانی ناشی از حوادث طبیعی؛ به نظر عادلانه نمی‌آید. گهگاه وسوسه تا امید شدن به سراخ من می‌آید.

ما چگونه می‌توانیم این مسأله را حل کنیم؟ چگونه می‌توانیم با واقعیت‌های سرد و بی‌روح زندگی کنار آییم، بدون اینکه واقعیت را انکار کرده یا تسلیم نومیدی شویم؟ آیا خدا قادر به آفریدن جهانی نبود که خالی از صیب و ایراد باشد؟ آیا او نمی‌توانست جهانی بیافریند که در آن اشخاص هرگز توانایی انتخاب بد را نمی‌داشتند یا حتی به دیگران صدمه نمی‌رسانند؟ آیا او نمی‌توانست جهانی عاری از پشه‌های خون آشام، علتهای هرز و سرطان خلق کند؟ او می‌توانست، لیکن این کار را نکرد.

ویروس ایدز بدن را عفونی می‌کند و سیستم ایمنی بدن را تضعیف می‌نماید و منجر به مرگ می‌شود، گناه هم به مثابه یک عفونت مرگبار از یک نسل به نسل بعدی انتشار می‌یابد. هر نسل جدید وارث اثرات گناه است و به گناه کردن تسایل دارد (رومیان ۱: ۱۸-۳۲ و ۱۲: ۵ و ۱۵ و ۱۸).

خدا در خوشبختیهای ما، جا ما نجوا می‌کنند،
در وجدان ما جا ما سخن می‌گویند،
اما در دردهای ما فریاد می‌زند،
این است بلندگو او تا جهان ناشنوا
چیدار شود - صمی، اسم، لوئیس

گناه نه فقط با ورود خود به جهان اثراتی و پیرانگر بر طبیعت انسان نهاد، بلکه همچنین داوری تقریباً سریع و دائمی خداوند را با خود، به این جهان به ارضان آورد. کتاب پیدایش باب ۳ نشان می‌دهد که چگونه مرگ جسمانی و روحانی، قسمتی از وجود انسان شد (آیات ۱۶ و ۱۷)، تولد بچه توأم با درد و مشقت گردید (آیه ۱۶)، زمین از خارها پوشیده شد، بطوری که کار انسان بر روی زمین با دشواری بسیار مواجه گردید (آیات ۱۷-۱۹)، و آدم و حوا از باغ عدن رانده شدند، جایی که در آن از مشارکت و رفاقت صمیمانه با خدا لذت می‌بردند (آیات ۲۳-۲۴).

در عهد جدید، پولس رسول شرح می‌دهد که تمام خلقت خدا مشتاقانه و با آهی که از نهادش برمی‌آید، در انتظار آن زمانی است که از قید فساد رهایی یابد و احیا شود؛ آزاد از عواقب گناه (رومیان ۸: ۱۹-۲۲).

۱۲

بیماری، خرابی و انحرافات، علائم و نشانه‌های مشکلی عمیق‌تر هستند. نژاد انسان بر علیه خالق خود طغیان نموده است. هر غم و تلخی و عذاب، یادآوری بسیار روشن از موقعیت بد و دشوار انسانی ما است. واقعیت وجود رنج، مثل یک چراغ نئون عظیم، این پیغام را می‌دهد که جهان آنطور که خدا حین آفرینش آن می‌خواست، نیست.

بنابراین اولین و اساسی‌ترین پاسخ به مسأله وجود رنج این است که درد و رنج نتیجه مستقیم ورود گناه به جهان است. درد و رنج به ما هشدار می‌دهد که یک بیماری روحانی، سیاره ما را آلوده می‌کند. بسیاری از اوقات، گرفتاریهای ما فقط عوارض جانبی ناشی از زیستن در یک جهان سقوط کرده است، نه اینکه مستقیماً تقصیری متوجه ما باشد.

۴) اشکالی در مخلوقات خدا وجود دارد؛ این امکان وجود دارد که ما از سوی لشکر عساکرانگ شیطان یا از سوی سایر مردم مورد حمله واقع شویم و به ما آسیب برسانند. هر دوی اینها، چه انسانهای سقوط کرده و چه ارواح سقوط کرده (فرشتگانی که طغیان کرده‌اند)، دارای توانایی تصمیم‌گیری هستند و می‌توانند به خود یا دیگران صدمه بزنند.

مردم می‌توانند باعث رنج و عذاب شوند؛ مردم به عنوان موجوداتی آزاد (و نیز گناه‌آلود)، تصمیماتی نادرست می‌گیرند تا آخر عمر به این کار خود ادامه هم خواهند داد. غالباً اینگونه تصمیمات نادرست، بر سایرین هم تأثیر بد می‌گذارد.

به عنوان مثال، یکی از پسران آدم به نام قاین، تصمیم

۱۳

یک شخص خوب است؛ شخصی که بطوری خارق‌العاده و حزن‌انگیز، مورد حمله شیطان قرار گرفته و از آن رنج می‌برد. خدا به شیطان اجازه داد که اسرار، خاستواده و سلامتی ایوب را از او بگیرد (ایوب بابهای ۱ و ۲).

وقتی که به جمله پیشین نگاه می‌کنم، ترس سراپای وجودم را در برمی‌گیرد. بنا به دلایلی ناشناخته، خدا تا حدی به شیطان اجازه داد تا زندگی ایوب را تباه کند. این تمایل در ما وجود دارد که کاری را که خدا با ایوب انجام داد با کار پدری که اجازه می‌دهد همسایه قلدرش فرزندان را کتک بزند فقط به این منظور که ببیند آیا آنها هنوز هم پدر را پس از این کار دوست دارند یا نه، مقایسه کنیم. اما همچنان که ایوب به این مرحله از درد و شناخت رسید که نباید در مورد خدای محبت و حکیم اظهار نظر کند، ما نیز باید به چنین شناختی برسیم.

«آیا خیکوی ما از خدا چیاچیم و چده ما
خیاچیم؟» - ایوب ۱۰: ۳

اگر چه ایوب نفهمید اما، ما می‌دانیم که زندگی او یک مورد امتحانی بود؛ شاهدهی زنده بر این مدعا که خدا، خدایی است قابل اعتماد. ایوب این حقیقت را به تصویر می‌کشد که هر شخص، حتی زمانی که به هر دلیلی زندگی‌اش فرو پاشیده باشد، می‌تواند به خدا اعتماد کند و کامل بودن خود را نیز حفظ کند؛ چون خدا امین است. در پایان، ایوب آموخت که حتی اگر کار خدا را نفهمد، اما به هزار و یک دلیل می‌تواند به خدا اعتماد کند؛ خدایی که هر چند اجازه داد که زندگی‌اش فرو باشد، لیکن خدای ظالم،

۱۵

گرفت که برادرش هابیل را به قتل رساند (پیدایش ۴: ۷-۸). لُتک به خلائی که مرتکب شد، اختصار نمود (آیات ۲۳-۲۴). سارای با هاجر بدر رفتاری کرد (پیدایش ۱۶: ۱-۶). لایان به پسر خواهر خود یعقوب، کسلک زد (پیدایش ۲۹: ۱۵-۳۰). برادران یوسف او را به عنوان برده فروختند (پیدایش ۳۷: ۱۲-۳۶)، و همسر فوطیفار، کاذبانه او را به زنا متهم ساخت و به زندان انداخت (پیدایش ۳۹). فرعون با بردگان یهودی در مصر بدر رفتاری کرد (خروج ۱). هیرویس پادشاه در تلاشی برای کشتن عیسی، فرمان قتل عام تمام کودکانی را که در بیت‌لحم و اطراف آن می‌زیستند، صادر نمود (متی ۲: ۱۶-۱۸).

صدمه‌ای که از دیگران به ما می‌رسد ممکن است نتیجه خودخواهی آنان باشد، یا این امکان وجود دارد که شما به خاطر ایمانتان به مسیح مورد جفا قرار گیرید. در طول تاریخ، مردمان خداپرست، به دست اشخاص عاصی و ضد خدا، افتاده و مورد زحمت و شکنجه قرار گرفته‌اند.

پولس قبل از ایمان آوردن، سزاوار مخالف و ضد مسیحیان بود که هر کاری که می‌توانست علیه ایمانداران انجام می‌داد. حتی در مرگ آنان نیز شرکت داشت (اعمال ۷: ۵۲-۳۸). اما پس از ایمان و بازگشت شورانگیز او به سوی خداوند عیسی، انواع جفاها را شجاعانه به خاطر اعلام پیام انجیل متحمل گردید (دوم قرنتیان ۴: ۷-۱۲ و ۱۲: ۱-۱۰). او حتی توانست بگوید که درد و رنجی را که تحمل می‌کرد، در شبیه شدن هر چه بیشتر او به مسیح، او را یاری نموده است (فیلیپیان ۳: ۱۰).

شیطان و ارواح شریر می‌توانند باعث زحمت شوند؛ داستان زندگی ایوب مثالی بسیار روشن از زندگی

۱۴

نا عادل، آزار دهنده و بی انصاف نیست (ایوب ۴۲).
پولس رسول که از یک مشکل جسمی رنج می برد، آن را به شیطان نسبت داد. او آن را چنین بیان کرد: «خاری در جسم... قرشته شیطان تا مرا لطمه زند» (دوم قرنتیان ۱۲:۷). پولس برای رهایی از این مشکل دعا کرد، اما خدا خواسته پولس را اجابت نکرد. در عوض خدا به او کمک کرد تا ببیند که چطور این مشکل می تواند در جهت نیکی او به کار آید. این مشکل به پولس کمک کرد تا با فروتنی به خدا متکی باشد و او را در جایی قرار داد تا فیض الهی را تجربه کند (آیات ۸-۱۰).

اگر چه بیشتر موارد بیماری نمی تواند مستقیماً نتیجه عملکرد شیطان باشد، در انجیل مواردی از بیماری ثبت شده که به شیطان نسبت داده شده اند. این موارد شامل آن مرد نابینا و گنگ (متی ۹:۲۲) و پسر مصروع هستند (متی ۱۷:۱۴-۱۸).

۳) اشکالی در من وجود دارد: غالباً هنگامی که در زندگی ما اشکالی پیش می آید، سریعاً به این نتیجه می رسیم که چون مرتکب گناهی شده ایم، خدا دارد اشک ما را درمی آورد. این نتیجه گیری الزاماً صحیح نیست. همانگونه که در نکات پیشین اشاره کردیم، بسیاری از دردها و رنجها در زندگی ما، نتیجه زیستن در یک دنیای سقوط کرده است و به وسیله انسانهای سقوط کرده و ارواح عصیانگر ساکن در این دنیا، به وجود می آیند. دوستان ایوب به اشتباه فکر می کردند که رنج او ناشی از گناه در زندگی شخصی اوست (ایوب ۷:۴-۸ و ۱۰:۸ و ۲۲:۲۲ و ۵:۳۶). شاگردان عیسی هنگامی که با مردی نابینا روبرو شدند، سریعاً نتیجه گیری نادرستی کردند.

۱۶

دوست می دارم، توبیخ و تادیب می نمایم. پس غیور شو و توبه نما (مکافئه ۱۹:۴).

داود پادشاه، محبت شدید خدا را تجربه کرد. بعد از زنايش با بتشیخ و نادیده گرفتن این واقعه قطعی که شوهر او در جنگ کشته شده، داود تا زمانی که ناتان نبی با او روبرو شد، توبه نکرد. مزمور ۵۱ شرح مبارزه داود با گناهش و درخواست عجزانه او برای بخشیده شدن است. در مزموری دیگر به منعکس نمودن تأثیرات پوشاندن و نادیده گرفتن گناه می پردازد. او نوشت: «هنگامی که خاموش می بودم، استخوانهایم پوسیده می شد از نعره ای که تماشای روز می زدم. چون که دست تو روز و شب بر من سنگین می بود، رطوبتم به خشکی تابستان مبتل گردید» (مزمور ۳۲:۳-۴).

«ای پسر من، تادیب خداوند را بخوار متشمار و وقتی که از او سرزخشن یابی خسته خاطر مشو. زیرا هر که را خداوند دوست می دارد، توجیح می فرماید»
- عبرانیان ۱۲:۵-۶

در اول قرنتیان ۱۱:۲۷-۳۲ پولس رسول به ایماندارانی که با مقدسات و امور الهی، برخورد سطحی می کنند و خوردن شام خداوند را جدی نمی گیرند، هشدار می دهد و می گوید که تادیب خواهند شد. پولس توضیح می دهد که این تادیب الهی، مقصود و منظور خاصی را دنبال می کند. او نوشت: «لکن هنگامی که بر ما حکم می شود، از خداوند تادیب می شویم؛ می آید یا اهل دنیا بر ما

۱۸

آنان مؤدبانه این پرسش را مطرح کردند که آیا کوری این شخص، نتیجه گناه اوست یا والدینش (یسوحنا ۱۰:۹-۱۲). عیسی به آنان پاسخ داد که مشکل جسمی آن مرد نه به گناه او و نه به گناه والدینش مربوط است (آیه ۳).

با در نظر داشتن چنین احتیاطی، لازم است ما هم با این حقیقت تلخ روبرو شویم که بعضی از زحمات مستقیماً پیامد گناه هستند - یا تادیبی اصلاح کننده از جانب خدا برای کسانی که دوستانشان دارد یا تنبیهی به وسیله خدا علیه کسانی که در جهان نافرمانی می کنند.

تادیب و اصلاح: اگر من و شما به عیسی مسیح به عنوان متوجه خود، ایمان آورده ایم، پس ما فرزندان خدا هستیم. همچنین قسمتی از خانواده ای هستیم که به وسیله خدای محبت که ما را آموزش داده و تادیب می کند، شبانی می شویم. او والدی پدرفشار و ظالم نیست که شدیداً فرزندان را کتک بزند و از زخمی شدن آنها لذت ببرد. عبرانیان باب ۱۲ چنین می گویند:

«ای پسر من، تادیب خداوند را بخوار شمار و وقتی که از او سرزنش یابی، خسته خاطر مشو. زیرا هر که را خداوند دوست می دارد توبیخ می فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه می زند... و دیگر، پدران جسم خود را وقتی داشتیم که ما را تادیب می نمودند و ایشان را احترام می نمودیم. آیا از طریق اولی پدر روحها را اطاعت نکنیم تا زنده شویم؟ زیرا که ایشان اندک زمانی موافق صوابید خود ما را تادیب کردند، لکن او به جهت فایده، تا شریک فدویت او گردیم» (عبرانیان ۱۲:۵-۶ و ۹-۱۰).

و عیسی به کلیسای لاژدکیه چنین گفت: «هر که را من

۱۷

حکم شوده» (آیه ۳۲).

ما اغلب می توانیم این اصل را بفهمیم که خدا محبوبان خود را تادیب می کند. ما باید از پسر مهربان خویش چنین انتظاری داشته باشیم که ما را توبیخ نماید و از ما بخواهد که همیشه آماده اطاعت از او باشیم.

داوود: خدا همچنین با بی ایمانانی که پسر انجام اعمال شریانه شان تأکید می ورزند، برخورد می کند. شخصی که هدیه نجات الهی را دریافت نکرده، در صورتی که در این انتخاب خود باقی بماند، باید منتظر غضب الهی در داوری آینده و خطر داوری شدید و کتونی او باشد. خدا به منظور از بین بردن بشریت فاسد، طوفان را فرستاد (پیدایش باب ۶). او سدوم و عموره را ویران نمود (پیدایش ۱۸ و ۱۹). او بر مصریان بلایا نازل کرد (خروج بابهای ۷-۱۲). او به بنی اسرائیل که تازه وارد سرزمین موعود شده بودند، حکم نابودی کامل بت پرستان را داد (تثنیه ۱۷-۳). او با هیرودیس پادشاه مغرور در دوره عهد جدید، شدت برخورد نمود (اعمال ۱۲:۱۹-۲۳). و در داوری آینده، او با عدالت کامل خویش با همه کسانی که قانون و محبت او را رد کرده اند، مقابله خواهد نمود (دوم پطرس ۲:۴-۹).

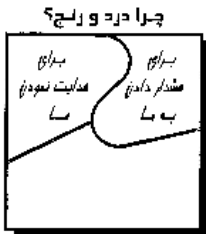
بنابراین چه در حال و چه در اینجا، ما با بی عدالتی ها روبرو هستیم. بنا به دلایلی حکیمانه، خدا قضاوت کامل خود را به تعویق انداخته است. یکی از نویسندگان مزامیر به نام آساف با این بی انصافی آشکار زندگی مبارزه می کرد. و راجع به اشخاصی صحبت می کرد که شریر هستند و با اعمال شریانه خود در زندگی پیش می روند، حتی به درجات کامیابی و موفقیت نیز می رسند؛ در

۱۹

حالی که بسیاری از عادلان در زحمت هستند (مزمور ۷۲). در مورد کامیابی شریران، آساف چنین گفت: «چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر من دشوار آمد. تا به قدس‌های خدا داخل شدم. آنگاه در آخرت ایشان تأمل کردم» (آیات ۱۶-۱۷). با تفکر در مورد خدای حاکم مطلق بر کائنات، آساف توانست این چیزها را مجدداً به ذهن و دیدگاه خود باز آورد.

هنگامی که ما با این واقعیت که شریران آزادند تا «جنایت بکنند بدون اینکه مجازات شوند» و تمام اعمال ضد اخلاقی را انجام دهند، در کشمکش هستیم، نیاز ما این است که این آیه از کتاب مقدس را به یاد آوریم که می‌گوید: «خداوند در وعده خود تأخیر نمی‌نماید، چنان که بعضی تأخیر می‌نمایند، بلکه بر شما تحمّل می‌نماید چون نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد، بلکه همه به توبه گرایند» (دوم پطرس ۳: ۹).

پس بخش اول پاسخ به مسأله رنج این است که خدا از آن به منظور آگاه نمودن ما از مسائل جدی زندگی استفاده می‌کند. درد، زنگ خطری را به صدا درمی‌آورد که نشان‌دهنده اشکالی در دنیا، بخش عظیمی از بشریت و من و شماست. اما چنان که در بخش بعدی خواهیم دید، خدا نه فقط زنگ مشکلات را به صدا در می‌آورد، بلکه از وجود زحمات به منظور تشویق نمودن ما برای یافتن راه حلها در خودش استفاده می‌کند.



برای هدایت نمودن ما:

زمانی که انسانی از خدا رو برمی‌گرداند، غالباً زحمات شکل سرزنش به خود می‌گیرند. اما زحمات ممکن است به نحو عجیبی مایه برکت مردم بشوند. بسیاری از مردم

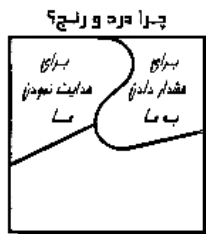
می‌گویند که در اثر تحمّل زحمات، زندگی‌هایشان مجدداً در مسیر صحیح قرار گرفته و زحمات به آنان کمک کرده تا زندگی را روشن‌تر ببینند و حتی باعث شده که رابطه آنها با خدا صمیمانه‌تر شود. چگونه می‌توان موقعیتهای مشابه دیگری یافت که اینچنین تأثیرات اساسی بر انسانها بگذرانند؟ دلیل این امر در عمق وجود انسانهاست، نه در خود وقایع.

یک سخنران معروف در رسانه‌های عمومی، یکبار مسیحیت را به عنوان «مذهبی برای بازندگان» رد می‌کرد. اما او همیشه چنین احساسی نداشت. او در جوانی در کلاسهای آموزش کتاب مقدس که شامل یک دوره پیش دانشگاهی بود، شرکت می‌کرد. او در عین حال که تعلیمات سنگین کتاب مقدس را می‌گذراند، آنها را جدی نمی‌گرفت. او با تمسخر می‌گفت: «تصوّر من بر این است که هفت یا هشت بار نجات یافته‌ام.» اما یک تجربه دردناک، دیدگاه او را نسبت به زندگی و خدا تغییر داد. خواهر کوچکتر او بسیار بیمار گردید. او برای شفای دعا کرد، اما پس از ۵

حالی که بسیاری از عادلان در زحمت هستند (مزمور ۷۲). در مورد کامیابی شریران، آساف چنین گفت: «چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر من دشوار آمد. تا به قدس‌های خدا داخل شدم. آنگاه در آخرت ایشان تأمل کردم» (آیات ۱۶-۱۷). با تفکر در مورد خدای حاکم مطلق بر کائنات، آساف توانست این چیزها را مجدداً به ذهن و دیدگاه خود باز آورد.

هنگامی که ما با این واقعیت که شریران آزادند تا «جنایت بکنند بدون اینکه مجازات شوند» و تمام اعمال ضد اخلاقی را انجام دهند، در کشمکش هستیم، نیاز ما این است که این آیه از کتاب مقدس را به یاد آوریم که می‌گوید: «خداوند در وعده خود تأخیر نمی‌نماید، چنان که بعضی تأخیر می‌نمایند، بلکه بر شما تحمّل می‌نماید چون نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد، بلکه همه به توبه گرایند» (دوم پطرس ۳: ۹).

پس بخش اول پاسخ به مسأله رنج این است که خدا از آن به منظور آگاه نمودن ما از مسائل جدی زندگی استفاده می‌کند. درد، زنگ خطری را به صدا درمی‌آورد که نشان‌دهنده اشکالی در دنیا، بخش عظیمی از بشریت و من و شماست. اما چنان که در بخش بعدی خواهیم دید، خدا نه فقط زنگ مشکلات را به صدا در می‌آورد، بلکه از وجود زحمات به منظور تشویق نمودن ما برای یافتن راه حلها در خودش استفاده می‌کند.



برای هدایت نمودن ما:

زمانی که انسانی از خدا رو برمی‌گرداند، غالباً زحمات شکل سرزنش به خود می‌گیرند. اما زحمات ممکن است به نحو عجیبی مایه برکت مردم بشوند. بسیاری از مردم

می‌گویند که در اثر تحمّل زحمات، زندگی‌هایشان مجدداً در مسیر صحیح قرار گرفته و زحمات به آنان کمک کرده تا زندگی را روشن‌تر ببینند و حتی باعث شده که رابطه آنها با خدا صمیمانه‌تر شود. چگونه می‌توان موقعیتهای مشابه دیگری یافت که اینچنین تأثیرات اساسی بر انسانها بگذرانند؟ دلیل این امر در عمق وجود انسانهاست، نه در خود وقایع.

یک سخنران معروف در رسانه‌های عمومی، یکبار مسیحیت را به عنوان «مذهبی برای بازندگان» رد می‌کرد. اما او همیشه چنین احساسی نداشت. او در جوانی در کلاسهای آموزش کتاب مقدس که شامل یک دوره پیش دانشگاهی بود، شرکت می‌کرد. او در عین حال که تعلیمات سنگین کتاب مقدس را می‌گذراند، آنها را جدی نمی‌گرفت. او با تمسخر می‌گفت: «تصوّر من بر این است که هفت یا هشت بار نجات یافته‌ام.» اما یک تجربه دردناک، دیدگاه او را نسبت به زندگی و خدا تغییر داد. خواهر کوچکتر او بسیار بیمار گردید. او برای شفای دعا کرد، اما پس از ۵

سال درد کشیدن، خواهرش درگذشت. در نتیجه او در مورد خدایی که اجازه وقوع چنین اتفاقی را داده بود، تصور نادرستی پیدا کرد. او گفت: «من داشتم ایمانم را از دست می‌دادم و هر چه که بیشتر آن را از دست می‌دادم، احساس می‌کردم حامل بهتر شده است.»

«... فیض من ترا کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می‌گردد.»

دوم قرن‌تبیان ۹۱۲

چه چیزی چنین شخصی را از انسان دیگری چون «جونی ایرکسون تادا» (Joni Eareckson Tada) متمایز می‌سازد؟ در کتابی به نام «در مصیبتها، خدا کجاست؟» (Where Is God When It Hurts?) نوشته فیلیپ یانکی (Philip Yancey) تغییراتی که تدریجاً در طرز فکر جوننی در سالهای پس از فلج شدن او در اثر حادثه شیرجه پدید آمدند، شرح داده شده‌اند.

«ابتدا جوننی دریافت که پذیرفتن وضعیت او با توجه به ایمانی که به خدای مسیحیت دارد، غیرممکن است ... بازگشت به سوی خدا بسیار تدریجی بود. آن تلخی حاکم بر طرز فکر او تدریجاً جای خود را به اعتماد داد، و به پیش از سه سال اشک و آه و پرسشهای تند خاتمه بخشید» (صص. ۱۳۳-۱۳۴).

تحول فکری او در یک بعد از ظهر که با دوست نزدیکش، سیندی صحبت می‌کرد، اتفاق افتاد: «جوننی، تنها تو اینطور نیستی. مسیح احساسات تو را درک می‌کند، چرا؟ چون او نیز فلج شده بود.» و سیندی برای او

شرح می‌دهد که عیسی چگونه به صلیب می‌خکوب و به وسیله میخها فلج شده بود.

یانکی در ادامه می‌نویسد: «چنین تفکری، علاقه جوننی را برانگیخت و برای یک لحظه از متمرکز شدن بر درد خود دست برداشت. او هرگز به این مسأله نیندیشیده بود که خدا نیز چنین احساسی را که ناشی از سوراخ کردن است، احساسی که جسم او را رنجور ساخته بود، تجربه کرده است. با چنین معرفتی، او به آرامش عمیقی دست پیدا کرده (ص. ۱۳۴).

جوننی به جای ادامه دادن به جستجوی خود در مورد علت این حادثه آزار دهنده، مجبور شد که بیشتر به خدا تکیه کند و به زندگی از یک چشم‌انداز گسترده‌تر نگاه کند.

یانکی در مورد جوننی ادامه می‌دهد: «او با خدا کشتی گرفت. بله، اما از وی روگردان نشد... جوننی اکنون اظهار می‌دارد که آن حادثه یک «میهمان ناخوانده پرچمال» بود و ادعا می‌کند که آن بهترین اتفاق ممکن برای او به شمار می‌آید. خدا از آن واقعه برای معطوف نمودن توجه جوننی به خودش استفاده کرد و افکار او را به سوی خویش هدایت نموده (صص. ۱۳۷-۱۳۸).

این اصل که رنج و زحمت می‌تواند موجب وابستگی سالی به خدا باشد، به وسیله پولس رسول در یکی از رساله‌هایش به کلیسای قرنتس، تعلیم داده شده است. او نوشت:

«وزیرای برادران نمی‌خواهیم شما بی‌خبر باشید از تنگی‌ای که در آسیا به ما عارض گردید که بی‌نهایت و فوق از طاقت بازکشیدیم، بحدی که از جان هم

مواجه باشیم، من دلیل خوبی برای اعتماد کردن به او دارم؛ همانند مردان و زنان بزرگ عهد عتیق که به او امیدوار بودند.

به عنوان مثال، عبرانیان باب ۱۱، نوح را به یاد ما می‌آورد. مردی که برای انجام وعده خدا راجع به تسوفان مغرب، ۱۲۰ سال برای خدا انتظار کشید (پیدایش ۳۶). ابراهیم سالها بطرزی عذاب آور برای تولد کودکی که خدا به او وعده داده بود، انتظار کشید. یوسف به عنوان برده فروخته شد و به اشتباه به زندان انداخته شد، اما او بالاخره دید که چگونه خدا از تمام وقایع آشکارا شریراسته در زندگی او، به قصد نیکی استفاده کرد (پیدایش ۵۰-۲۰). موسی قبل از اینکه خدا او را برای رهایی قوم اسرائیل از مصر به کارگیرد، تا ۸۰ سالگی صبر کرد، و حتی پس از آن، رهبری قومی که ایمان را که کمابیش به یک مبارزه شباهت داشت، بر عهده گرفت (به کتاب خروج مراجعه کنید).

عبرانیان باب ۱۱، از اشخاصی نظیر جدمون، سامسون، داود و سموتیل اسم می‌برد، اشخاصی که چون برای خدا زندگی می‌کردند، شاهد پیروزیهای بزرگی بودند. اما در اواسط آیه ۳۵ وضعیت ناگهان تغییر می‌یابد. ما با مردمانی روبرو می‌شویم که مجبور به تحلل رنجی یاور نکرده‌اند بودند. مردمی که مُردند بدون اینکه بدانند چرا خدا اجازه داد که چنین وقایع ناگسوار را تجربه نمایند. این افراد عذاب کشیدند، از استهزاها و تازیانه‌ها بلکه از بند و زندان آزموه شدند، سنگسار گردیدند و با آزه دو باره گشتند، تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند. در پوست گوسفندان و بزها محتاج و مظلوم و آواره شدند (عبرانیان ۳۵:۱۱-۳۸). نقشه خدا این بود که

ما یوس شدیم. لکن در خود فتوی موت داشتیم تا بر خود توکل نکنیم؛ بلکه بر خدا که مردگان را برمی‌خیزاند» (دوم قرنتیان ۱: ۸-۹).

عقیده‌ای مشابه را می‌توان در نظریات پولس در مورد زحمات جسمانی‌اش یافت. خداوند به پولس گفت: «فیض من ترا کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می‌گردد» (دوم قرنتیان ۹: ۱۲). سپس پولس افزود: «بنابراین از ضعفها و رسوائی‌ها و احتیاجات و زحمات و تنگیها به خاطر مسیح شادمانم، زیرا که چون ناتوانم، آنگاه توانا هستم» (آیه ۱۰).

درد و رنج، به طریقی نشان می‌دهند که منابعی که ما داریم، در واقع چقدر ضعیف هستند. درد و رنج ما را به این وا می‌دارد که در مورد اولویتهای، ارزشها، اهداف، رؤیاهای، لذات، منبع قدرت حقیقی و رابطه خود با مردم و با خدا، دوباره بیندیشیم. رنج راهی است جهت هدایت نمودن توجه ما به واقعیت‌های روحانی - اگر از خدا روگردان شده باشیم.

رنج ما را به این وامی‌دارد که مسیر زندگی خود را ارزیابی نماییم. ما می‌توانیم بین ناامیدی ناشی از متمرکز شدن بر مشکلات فعلی خویش یا امیدوار بودن به وسیله تشخیص این مطلب که خدا نقشه وسیعی برای ما دارد، یکی را انتخاب نماییم (رومیان ۵: ۵ و ۱۸: ۸ و ۲۸: عبرانیان ۱۱).

از میان تمام متون کتاب مقدس، عبرانیان بساط ۱۱ بیشترین اطمینان را به من می‌دهد که گرچه زندگی عالی و یا ناگوار به نظر آید، پاسخ من باید ایمان به حکمت، قدرت و کنترل الهی باشد. اهمیتی ندارد که با کدام روی زندگی

به وفاداری ایشان در طول این سختیها، فقط در چشم انداز گستردهٔ ابدیت پاداش داده شود (آیات ۲۹-۴۰).

«چشم ایستاد، اعتماد بر چیزهای امید داشته شده است و برهان چیزهای خادید»
- عبرانیان ۱۱:۱

درد و رنج، ما را بر این وامی دارد که به ورای موقعیتهای کنونی زندگیمان نگاه کنیم. رنج و زحمت ما را به سوی این پرسشهای بزرگ هدایت می‌کند که «چرا من اینجا هستم؟» و «مقصود از زندگی من چیست؟» ما با پیگیری این پرسشها و یافتن پاسخ آنها در خدای کتاب مقدس، درخواستی یافت که به پایداری یا ثباتی نیازمندیم که حتی بدترین چیزهایی را که زندگی می‌تواند موجب آنها باشد، تحمل کنیم چون می‌دانیم که این زندگی کنونی، همه‌اش اینجا نیست. اگر ما خدای قادر مطلق را می‌شناسیم که بر تمام تاریخ بشریت حاکم است و همهٔ آن را با هم در یک بوم نقاشی زیبا به تصویر می‌کشد که نهایتاً او را جلال دهد، پس ما می‌توانیم با چشم‌اندازی بهتر به این وقایع نگاه کنیم.

در رومیان ۱۸:۸ پولس رسول می‌نویسد: «زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است.» پولس در این آیه گرفتاریها و زحمات ما را روشن نمی‌کند، بلکه او به ایمانداران می‌گوید که به گرفتاریهای کنونی، در نور ابدیت بنگرند. مشکلات ما ممکن است واقعاً سنگین و حتی خرد کننده باشند. اما پولس می‌گوید زمانی که آنها با جلال

و جمعه‌های تاریکمان را تحمل کنیم و به آنها به عنوان روزهای «نیک» نگاه کنیم، چون خدای «بکشنده» را خدمت می‌کنیم.

پس هنگامی که مشکلات به ما ضربه می‌زنند و ضربه هم خواهند زد، این مطلب را بیاد داشته باشید که، خدا چنین موقعیتهایی را برای هدایت ما به سوی خودش و به سوی چشم‌انداز وسیعی از زندگی به کار می‌گیرد. او ما را فرا می‌خواند تا به او اعتماد داشته باشیم، به او امیدوار باشیم و انتظارش را بکشیم.

باورنکردنی ابدی مقایسه شوند. جلالی که در انتظار محبتان خداوند است، حتی تاریک‌ترین و گرانبارترین موقعیتهای زندگی به وسیلهٔ چنین مقایسه‌ای محو خواهند شد.

ما نیاز به صرف وقت داریم تا به مثال دیگری بنگریم، شاید این مثال مهم‌ترین تصویری است که می‌توانیم در نظر بگیریم. آن روز که عیسی مسیح مصلوب گردهند، و روزی که اکنون از آن به عنوان جمعهٔ نیک (جمعهٔ الصلیب) یاد می‌شود. در آن زمان، این روز چیزی جز یک روز عادی نبود. اما آن روز، روز زحمت شدیدی، درد عظیم، تاریکی و غم بود. روزی بود که عیسی در آن احساس تنهایی می‌کرد. روزی که به نظر می‌آمد خدا در آن ساکت و غایب است، روزی که به نظر می‌آمد شریک پیروز شده و امیدها ضایع گردیده‌اند. اما سرانجام روز یکشنبه فرا رسید. عیسی از قبر برخاست. آن واقعهٔ بسیار عظیم، روز جمعه را در توری متفاوت قرار داد. رستاخیز، به آنچه که روی صلیب اتفاق افتاده بود، مفهوم کاملاً جدیدی داد. به جای اینکه آن روز، زمان شکست باشد، به روز پیروزی تبدیل گردید.

«خوشحالیان آنکه خدای یکتو مددکار اوست، که امید او بر همهٔ خدایان و می‌باشند، که آسمان و زمین را آفرید و دریا و آنچه را که در آنهاست...»

(مزمور ۱۴۶:۵-۶)

ما نیز می‌توانیم به پیش بنگریم. ما می‌توانیم

چرا درد و رنج؟



برای شکل دادن به ما:

— مربیان ورزش دوست دارند که این عبارت را به کار ببرند: No pain, no gain (معادل آن در فارسی: ناپرده رنج، گنج میسر نمی‌شود - م.م.). به عنوان یک دانش‌آموز

دبیرستانی که ستارهٔ رشتهٔ دو و میدانی بودم (البته اگر چه نفر اول نشدم، اما بشدت تلاش می‌کردم)، بارها و بارها از مربیان می‌شنیدم که نتیجهٔ تمرینات سخت را به هنگام پیروزی در مسابقات دشوار خواهیم دید. حق با آنها بود. البته ما همیشه برنده نمی‌شدیم، اما سختکوشی ما منافع آشکاری برای ما داشت.

در طی آن سالها، من در مورد خودم چیزهایی یاد گرفتم و اکنون روزانه با منضبط ساختن خود بتدریج در حال یادگیری بیشتر هستم. بسیاری از روزها این را فراموش می‌کنم. گاهی نمی‌خواهم به علت تمرینات سخت کشتی چهار درد شوم. ترجیح می‌دهم که به «سیستم تنفسی» بدن خود تا حد نهایی فشار نیاورم. من نمی‌خواهم وقتی که از تپه‌ها بالا می‌روم، از خستگی از پا بیفتم. پس چرا باید این کارها را انجام دهم؟ نتایج مثبت به دست آمده، ارزش تحمل چنین دردی را دارد. فشار خون و نبض من در حد تعادل هستند، اضافه وزن ندارم و احساس هوشیاری و سلامتی بیشتری می‌کنم.

تمرینات ورزشی ممکن است منافع آشکاری در پی داشته باشند، اما در مورد دردی که ما آن را انتخاب نمی‌کنیم، چه فکر می‌کنید؟ در مورد بیماری، ضعف، حوادث و دردهای عظیم عاطفی چه باید گفت؟ چه منفعتی از اینها حاصل می‌شود؟ آیا این منفعت واقعاً ارزش چنین درد کشیدنی را دارد؟

به سخنان آن مرد رنج کشیده در رومیان ۳۵-۴ توجه کنیم. پولس رسول نوشت: «... نه این تنها، بلکه در مصیبت‌ها هم فخر می‌کنیم، چونکه می‌دانیم که مصیبت، صبر را پیدا می‌کند و صبر، امتحان را و امتحان، امید را.» پولس وضعیت خویش را در مورد نکات مثبت در رنج و زحمت با گفتن این جمله تشریح می‌کند: «ما در مصیبت‌ها فخر می‌کنیم.» او منظور می‌توانست بگوید که ما نباید شادی کنیم یا مجبوریم بعضی حوادث حزن‌انگیز و دردناک را تحمل کنیم؟ او مطمئناً به ما نمی‌گوید که گرفتاری‌هایمان را جشن بگیریم، در عوض او می‌خواست به ما بگوید که در مورد آنچه که خدا می‌تواند برای ما و جلال خودش از طریق امتحانات زندگی انجام دهد، شادی کنیم. وضعیت پولس ما را تشویق می‌کند که نتیجه نهایی را جشن بگیریم؛ نه آن واقعه دردناک را. منظور پولس این نیست که ما از مرگ، سرطان، خارج شدن اعضای بدنمان از شکل طبیعی خود، ورزشکستگی‌های مالی، قطع رابطه یا یک حادثه مزمن‌انگیز، دچار نوعی شادی جشنواره‌آمیز بشویم. تمام این چیزها ناخوشایند هستند و یادآور اینکه در دنیای زندگی می‌کنیم که به وسیله لغت گناه، به نحو فجیعی تباه شده است.

یعقوب رسول نیز در مورد این مطلب که ما بظهور باید

به خاطر نتیجه نهایی زحمات خود شادی کنیم، می‌نویسد: «ای برادران من، وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید، چونکه می‌دانید که امتحان ایمان شما صبر را پیدا می‌کند. لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید» (یعقوب ۱: ۲-۴).

با تلیق حقایق موجود در این دو متن، می‌توان دید که چگونه نتایج درد و رنج و زحمت، خوب و قابل تحسین هستند؛ یعنی امید، بلوغ شخصیت و شکیبایی. خدا می‌تواند از سختیهای زندگی برای شکل دادن به ما استفاده کند تا پیش از پیش، در ایمان بالغ گردیم و بیش از پیش، ایماندار و شبیه مسیح شویم.

لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید. - یعقوب ۱: ۴ -

هنگامی که به مسیح به عنوان منجی خویش ایمان می‌آوریم، خدا بطور ناگهانی ما را با لمس خویش به اشخاصی کامل مبدل نمی‌سازد. آنچه که او انجام می‌دهد این است که مجازات گناهان ما را برمی‌دارد و ما را در جاده‌ای می‌گذارد که به سوی آسمان رهنمون‌مان می‌سازد. پس زندگی موقعیتی است که در آن هر چه بیشتر درباره خدا می‌آموزیم و هر چه بیشتر یاد می‌گیریم که موظفیم رضایت او را جلب کنیم، شخصیت ما بیشتر رشد می‌کند. درد و رنج و زحمت، راهی است که ما را بطور هیجان‌انگیزی مجبور می‌سازد که با مسائل عمیق زندگی مواجه

شویم. اگر چنین کنیم، قویتر و بالغ می‌شویم. پسر بزرگ من «دکتر م. ر. دو هان» (Dr. M. R. De Haan) در مورد روند شکل‌گیری زندگی ما، در کتاب خود تحت عنوان «چیزهای شکسته» (Broken Things) چنین می‌نویسد:

«بزرگترین موعظه‌هایی که تاکنون شنیده‌ام، از پشت منبرها موعظه نشده بلکه از بستر بیماران. غالباً عظیم‌ترین و عمیق‌ترین حقایق کلام خدا که کشف شده‌اند، به وسیله آنانی نبوده که به علت تحصیل در مدرسه الهیات و آماده شدن جهت خدمت، موعظه کردن را آموخته‌اند، بلکه به وسیله روحهای فروتنی که وارد کلاس درد و غصه شده‌اند و بطور تجربی نکات عمیق راههای خدا را آموخته‌اند.»

بیشترین آدمهای خوشرویی که من ملاقات کرده‌ام (بجز معدودی استثناء)، آنهایی بوده‌اند که کمترین خوشبختیها و بیشترین درد و رنج را در زندگی‌شان داشته‌اند. بیشترین انسانهای شاکری که من با ایشان ملاقات کرده‌ام، آنهایی نبوده‌اند که در یک جاده پر از گل در زندگیشان قدم زده‌اند، بلکه آنهایی بوده‌اند که به خاطر موقعیتهایی خاص، در خانه‌هایشان، و غالباً در بسترهایشان زندانی بوده‌اند و آموخته‌اند که به عنوان مسیحیانی که می‌دانند چگونه باید این کار را انجام دهند، فقط به خدا متکی باشند. تاجایی که من دیده‌ام، شکایت و غرغر بیشتر از جانب کسانی بوده که از سلامتی کامل بهره‌مند بوده‌اند. آنانی که کمترین شکایت را داشته‌اند، آن مقدسین خدا که بارها و بارها قلب‌ها تازه کرده‌اند، کسانی بوده‌اند

که از منبر بسترهای خود موعظه کرده‌اند؛ مردان و زنانی که با خوشرویی و قدردانی، شاکر برکات خدای قادر مطلق بوده‌اند» (صص. ۴۳-۴۴).

شما نسبت به سختیهای زندگی چه واکنشی نشان می‌دهید؟ آیا تلختر شده‌اید یا بهتر؟ آیا در ایمانتان رشد کرده‌اید یا از خدا روگردان شده‌اید؟ آیا از نظر شخصیتی، مسیح‌گونه‌تر شده‌اید؟ آیا اجازه داده‌اید که زحمات به شما شکل بدهند و به شباهت عیسی مسیح درآورند؟

چگونه همه چیزها با هم برای خیریت در کارند؟ شاید این آیه از کتاب مقدس در زمان درد و رنج بیشتر تکرار می‌شود (رومیان ۸: ۲۸). در این آیه می‌خوانیم: «و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می‌باشند.» اغلب از این آیه سوءاستفاده شده یا اینکه از آن استنباط نادرست به عمل آمده، اما حقیقت موجود در آن، می‌تواند آرامشی عظیم به وجود آورد.

متن رومیان باب ۸ بر آنچه که خدا برای ما انجام می‌دهد، تأکید می‌کند. سکونت روح القدس به ما حیات روحانی می‌بخشد، ما را مطمئن می‌سازد که فرزندان خدا هستیم (آیه ۱۶) و در زمان ضعف به وسیله دعاها ایمان به ما کمک می‌کند (آیات ۲۶-۲۷). رومیان باب ۸ همچنین زحمات ما را در تصویری بزرگتر از آنچه خدا در حال انجام دادنش است، قرار می‌دهد: خدا بر طبق نقشه نجات خود در حال کار کردن است (آیات ۱۸-۲۶). آیات ۲۸ الی ۳۹ ما را از محبت خدا نسبت به خودمان مطمئن می‌سازند که هیچ چیز و هیچکس تا به حال نتوانسته خدا را از انجام

آنچه که مایل به انجام دادنش است، باز دارد و هیچ چیز تا به حال نتوانسته ما را از محبت او جدا سازد.

پس با بررسی صحیح رومیان ۲۸:۸ درمی یابیم که آیه ۲۸ قویاً ما را مطمئن می سازد که خدا در بین کسانی که به پسر او به عنوان منجی خود ایمان آورده اند، در حال کار کردن است. این آیه به ما وعده نمی دهد که تمام وقایع زندگیمان را درک خواهیم کرد و یا بعد از گذراندن زمان آزمایش، در این زندگی با نیکیهای بسیار سرگت خواهیم یافت. اما این اطمینان را به ما می دهد که خدا در حال عمل کردن به نقشه نیکی خود از طریق زندگیهای ماست. او در حال شکل دادن به ما و موقعیتهای ماست تا جلال را از آن او سازند.

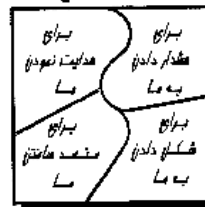
نویسنده ای به نام «ران. لی. دیویس» (Ron Lee Davis) در کتاب خود تحت عنوان «تبدیل شدن به انسانی کامل در جهانی متلاشی» می نویسد: «خبر خوش این نیست که خدا موقعیتهای ما را به آن شکلی درمی آورد که ما دوست داریم. بلکه خبر خوش این است که خدا می تواند حتی ناامیدیها و تباهیهای رنج آور ما را به نقشه ابدی خود متصل کند. بدیای که برای ما اتفاق می افتد، می تواند به نیکی خدا تبدیل شود. رومیان ۲۸:۸ تضمینی الهی است که اگر ما خدا را دوست بداریم، زندگی ما می تواند به منظور دستیابی به اهداف و ملکوت او، مورد استفاده قرار گیرد» (ص. ۱۷۷).

اما ممکن است این سوال پراشتان پیش آید که «خدا چطور می تواند همه چیز را در اختیار بگیرد، در صورتی که به نظر می رسد همه چیز خارج از کنترل اوست؟ او چطور می تواند همه چیز را با هم برای جلال خود و نهایتاً

نیکیهای ما به کار گیرد؟ «وارن ویرسبی» (Waren Wiersbe) در کتاب خود به نام «چرا ما؟» اظهار می دارد که خدا «حاکمیت مطلق خود را نه به وسیله شفاعت دائمی و پیشگیری از اینگونه وقایع، بلکه به وسیله حاکم شدن بر آنها، ثابت می کند؛ بطوری که حتی وقایع مزمن انگیز هم به انجام مقصود تنهایی او ختم می شوند» (ص. ۱۷۶).

خدا به عنوان خداوند حاکم مطلق بر کائنات، از تمام زندگی برای بلوغ ما و شبیه شدن ما به مسیح و نیز پیشروی ما به سمت نقشه ابدی خود استفاده می کند. بنابراین، به منظور تکمیل مقاصد فوق، خدا می خواهد که ما را برای کمک به دیگران به کار گیرد و می خواهد که سایر مردم نیز به ما کمک کنند. بخش بعدی تماماً در مورد این مطلب است.

چرا درد و رنج؟



برای متعهد ساختن ما؛

به نظر می رسد که درد و رنج دارای توانایی خاصی در نشان دادن این مطلب به ما هستند که ما چقدر به همدیگر احتیاج داریم. کشمکشهای ما، به یاد ما می آورند که واقعاً

چقدر شکننده هستیم. حتی ضعف دیگران، در زمانی که قوت ما بتدریج ضعیف می شود، می تواند ما را تقویت کند. این حقیقت برای من که هر دفعه با گروه کوچکی از دوستان کلیسایی برای عبادت و مشارکت جمع می شویم بسیار واقعی می شود. ما در طی آن اوقات منظم با بر دوش گرفتن بارهای افراد دیگر، با آنها شریک می شویم. بارهای این اشخاص ممکن است شامل این موارد باشند: بیماری قرزند - از دست دادن کار - فشارهای عصبی محیط کار - یک فرزند نامطمئن - سقط جنین - نقرت از اعضای خانواده - افسردگی - فشارهای عصبی روزانه - عضوی نجات نیافته در خانواده - تصمیم گیریهای مشکل - جنایت در محله - مبارزه با گناه و چیزهای دیگر. بارها در خاتمه اینگونه جلسات، من خدا را برای این دلگرمی و تشویقی که در دادن ما به همدیگر داده، تمجید نمودم. ما هنگامی که همراه با یکدیگر با کشمکشهای زندگی روبرو می شویم، قویتر و به هم نزدیکتر می شویم. این نوع تجربیات شخصی در نور کتاب مقدس، دو

حقیقت کلیدی را به یاد من می آورد:

- ۱) درد و رنج و زحمت به ما کمک می کند که نیاز خود به سایر ایمانداران را ببینیم.
 - ۲) درد و رنج و زحمت به ما کمک می کند که همچنان که به مسیح اجازه می دهیم که از طریق ما زندگی کند، احتیاجات سایرین را هم ببینیم.
- بباید به هر یک از این راههایی که خدا از دردها و رنجها به منظور متحد ساختن ما با سایر ایمانداران در مسیح استفاده می کند، نگاهی بیندیشیم.
- ۱) درد و رنج به ما کمک می کند که نیاز خود به سایر ایمانداران را ببینیم؛ برای توضیح مفهوم اتحاد بین تمام ایمانداران در مسیح، پولس رسول از قرنتیان باب ۱۲. او می گوید که ما برای فعالیت و داشتن عملکردی مناسب و صحیح، به یکدیگر نیازمندیم. پولس این موقعیت را اینگونه توضیح می دهد: «و اگر یک عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند. اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید» (آیات ۲۶-۲۷).

در رساله به افسسیان، پولس از مسیح سخن می گوید: «که از او تمام بدن مرکب و مرکب گشته، به مدد هر مفصلی و بر حسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نمو می دهد برای بنای خویشتن در محبت» (افسسیان ۴: ۱۶). هنگامی که این مطلب را تشخیص دهیم که سایر ایمانداران نیز چون ما برگزیده هستند، آنگاه درک خواهیم کرد که هنگامی که ما خود با یک مشکل مواجه ایم، تا چه

حد رسیدگی به دیگران می‌تواند پُر منفعت باشد. زمانی که به نظر می‌رسد تاب مقاومت در برابر مشکلات را نداریم، می‌توانیم به دیگر ایمانداران تکیه کنیم تا به ما کمک کنند که در قوت خداوند، نیرویی تازه بیابیم.

۲) درد و رنج به ما کمک می‌کند که همچنان که به مسیح اجازه می‌دهیم تا در ما زندگی کند، احتیاجات سایرین را هم ببینیم؛ در دوم قرن‌تین باب ۱، پولس رسول می‌نویسد: «مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدر رحمتها و خدای جمیع تسلیات است، که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم. به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم» (آیات ۳-۴).

چنانچه در بخش پیشین دیدیم، ما به یکدیگر نیازمندیم چون چیز باارزشی برای هدیه دادن به دیگران داریم. ما دارای آگاهی‌های روحانی و حکمت هستیم که آنها را در انواع امتحانات تجربه نموده و آموخته‌ایم. ما ارزش حضور شخصی یک فرد با محبت را درک می‌کنیم. هنگامی که آرامش الهی را در طی یک موقعیت پر زحمت تجربه می‌نماییم، این توانایی را به دست می‌آوریم که به اشخاصی که شرایط مشابهی را تجربه می‌کنند، این آرامش را بشتانانیم.

زمانی که خود را برای توشتن این جزوه آماده می‌کردم، در مورد تجربیات انسانهای بسیار رنج کشیده مطالعه می‌کردم و با آنانی صحبت می‌کردم که با درد آشنا بودند. از آنها می‌پرسیدم که در زمان تنگی، بیشترین کمک را از چه کسی یافته بودند. جوابی که بارها و بارها شنیدم این بود: «سخنان شخصی دیگری که موقعیتی مشابه

را تجربه کرده بود، می‌توانست تأثیر بیشتری داشته باشد. حرفهای او نشان دهنده این بود که او در اثر تجربه مشابه، مرا درک می‌کند.» غالباً برای شخصی که تحت فشار است، صدایی که حاکی از احساس و تفکر و حمایت باشد، از شخصی به گوش می‌رسد که خود نیز در چنین موقعیتی مشابه قرار گرفته باشد. چنین شخصی می‌تواند بگوید: «من درک می‌کنم که در چه وضعی قرار داری.»

اگر چه بهترین تسلی دهندگان آنانی بوده‌اند که تحت شرایط مشابه قرار داشته‌اند و از طریق آن موقعیتها، رشد روحانی داشته و قویتر شده‌اند، این بدان معنا نیست که باقیمانده ما قیصر درخواهیم رفت. همه ما مسئولیم که هر آنچه در توان داریم در جهت همدردی، تلاش برای درک کردن و تسلی دادن به دیگران انجام دهیم. غلطیان ۲:۶ به ما می‌گوید: «بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع، شریعت مسیح را بجا آرید.» و رومیان ۱۵:۱۲ نیز می‌گوید: «خوشی کنید با خوشحلالان و ماتم نمایید با ماتمیان.»

«دکتر پُل براند» (Dr. Paul Brand) متخصص بیماری جدام می‌نویسد: «هنگامی که درد و رنج، ضربه خود را وارد می‌آورد، از بین ما کسانی که نزدیک آن ایستاده باشند، در اثر شوک ناشی از آن، دراز به دراز می‌افتند. ما بغض خود را فرو می‌بریم، برای ملاقات بیماران با قدمهای محکم و بلند به سوی بیمارستان پیش می‌رویم، نتوانی از کلمات تشویق کننده و شادی بخش، شاید هم نگاهی به مجلات بیندازیم تا کلماتی را بیابیم که در موقع آندوه عمیق به اشخاص باید گفت.

«اما هنگامی که از بیماران و خانواده‌هایشان

شما چگونه می‌توانید کمک کنید؟

شاید در همین لحظه، دردی بر شما حاکم باشد. شاید حتی فکر کمک کردن به دیگران، به نظر غیرممکن آید. چنانچه شما تسلی خدا را یافته باشید، آماده تسلی دادن به دیگران خواهید بود (دوم قرن‌تین باب ۱). در واقع، رسیدگی و کمک به دیگران می‌تواند سهم مهمی از شغای روحی شما باشد.

با شاید این جزوه را با این امید خوانده‌اید که بهتر بتوانید به یک دوست رنج‌دیده یا محبوب خود کمک کنید. پیشنهادات موجود در این قسمت برای شما طرح‌ریزی شده‌اند تا بهتر بتوانید این کار را انجام دهید. کمک به سایرین، عملی است پُر مخاطره. ممکن است کمک ما، همواره از سوی دیگران با استقبال روبرو نشود. گاهی اوقات ممکن است کلمات نادرستی از دهان ما خارج شوند. اما باید برای کمک به دیگران تلاش کنیم. عیسی در متل سامری نیکو (لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷) به یاد ما می‌آورد که در قبال افراد مصدومی که با آنها روبرو می‌شویم، مسئول هستیم. در اینجا به ذکر چند پیشنهاد می‌پردازیم:

- منتظر نشوید که شخص دیگری در ابتدا وارد عمل بشود.
- در صورت امکان، در کنار این اشخاص باشید و دست آنها را لمس کنید یا ایشان را در آغوش بگیرید.
- بسر نیازهای ایشان متمرکز شوید و نه بر ناراحتی‌های خود. ونه در حالی که جواب مناسبی هم ندارید.

می‌پرسم "چه کسی در این مصیبت به شما کمک کرده؟" جوابی عجیب و مبهم دریافت می‌کنم. شخصی آرام و فهمیده، کسی که بیشتر گوش می‌دهد تا صحبت کند، کسی که قضاوت یا حتی پند و اندرز زیادی نمی‌دهد: "حس کردن حضور شخصی در کنار تان"، "کسی که وقتی به او نیاز دارم در کنارم ایستاده است"، "دستی نگاهدارنده"، "آغوشی که پُر از احساس درک است و بغضی در گلو" (از کتاب بطرز مهیب و عجیبی ساخته شده‌ام، صص. ۲۰۳-۲۰۴).

در مدت زمانی کوتاه، هیچ درمان جادویی برای شخص دردمند وجود ندارد. چنین شخصی فقط خیزانند محبت است. چون محبت حضور خریزی آنچه با که لازم است. اراشه می‌دهد. هیلپ جانتج

مطلب روشن است. خدا ما را طوری ساخته که به یکدیگر وابسته و متکی باشیم. ما چیزهای بسیاری داریم که به دردمندان تقدیم کنیم و دیگران نیز می‌توانند چیزهای بسیاری به ما در حین تحمل درد و رنج بدهند. در حالی که این اتحاد را بسط می‌دهیم، آرامشی بزرگتر را تجربه خواهیم کرد. آنگاه که تشخیصی بدیم خدا از زحمات استفاده می‌کند تا ما را از مشکلات ناشی از گناه آگاه کند. او از سختیها برای هدایت نمودن ما به سوی خودش استفاده می‌کند و او می‌تواند حتی مشکلات را به کار گیرد تا ما را بیشتر به شبیه مسیح درآورد.

- به آنها اجازه دهید احساسات خود را بیان کنند. احساسات آنان را محکوم نکنید.
- در مورد مشکل ایشان، اطلاعاتی به دست آورید.
- وانمود نکنید که هرگز دچار کشمکش نشده‌اید.
- صحبت‌های خود را بطور خلاصه بیان کنید.
- از گفتن اینگونه جملات بپرهیزید: «شما نباید چنین احساسی داشته باشید»، یا «تو باید بدانی که چکاری باید انجام بدهی».
- آنها را از دعا‌های خود مطمئن سازید.
- دعا کنید! از خدا بخواهید که به شما و به آنان کمک کند.
- با آنها در تماس باشید.
- به آنها کمک کنید که به اشتباه احساس گناه نداشته باشند. به این وسیله که ایشان را مطمئن سازید که رنج و گناه، دو قله‌های جدا نداشتنی نیستند.
- در صورتی که آنها از رنج ناشی از گناه، عذاب می‌کشند، یا اینکه از وجود برخی گناهان که در زندگیشان تأثیر نامطلوبی داشته، آگاه شده‌اند، به آنها کمک کنید تا آموزش را در عیسی مسیح بیابند.
- ایشان را تشویق نمایید که امین بودن خدا در زمانهای گذشته را به یاد آورند.
- بر نمونه و کمک‌های عیسی متمرکز شوید.
- به آنها خاطر نشان کنید که خدا ما را دوست دارد و مراقب ماست و او اختیار کلیه امور را در دست دارد.
- ایشان را تشویق کنید که حداقل روزی یکبار دست

۴۲

بهتر از هر پاسخ

ما برای دستیابی به جوابهای کامل، فریاد کمک سر داده‌ایم. در عوض، خدا خودش را به ما تقدیم می‌کند و همین کافی است. اگر ما می‌دانیم که می‌توان به او اعتماد نمود، پس به توضیحات کامل نیاز نداریم. همین کافی است که بدانیم زحمات و دردهای ما بی‌معنی نیستند. همین کافی است که بدانیم خدا هنوز هم بر کائنات حاکم است و او واقعاً نگران ما انسانهاست.

بزرگترین گواه نگرانی خدا برای ما می‌تواند با نگاه کردن به عیسی مسیح یافت شود. خدا دنیای رنج‌دیده ما را به‌دنی محبت نمود که پسر خود را فرستاد تا برای ما بمیرد و عذاب کشد و ما را از تنبیه و پشیمانی ابدی آزاد سازد (یوحنا ۳: ۱۶-۱۸). به دلیل وجود عیسی مسیح، ما می‌توانیم از بدترین دردها - درد جدایی از خدا - تا ابد آزاد باشیم. و باز هم به دلیل وجود عیسی مسیح، ما می‌توانیم حتی بدترین وقایع خرن‌انگیز را هم تحمل کنیم، چون او به ما قدرت درونی و امید می‌بخشد.

ما جرای دستیابی به جوابهای کامل، فریاد کمک سر داده‌ایم. در عوض، خدا خودش را به ما تقدیم می‌کند.

اولین قدم واقع بینانه در جنگیدن پیروزمندان به مشکلی به نام درد و رنج، تشخیص این مطلب است که این مشکل در واقع از مشکلی بزرگتر و ریشه‌ای‌تر و جهانی‌تر به نام گناه سرچشمه می‌گیرد. آیا شما درک کرده‌اید که

۴۴

- یک نفر را بگیرند.
- ایشان را تشویق کنید که با اشخاصی که به کسک‌هایشان احتیاج دارند (دوستان، خانواده، شیان کلیسا) در ارتباط باشند.
- به آنها در درک این مطلب کمک کنید که برای کسب موفقیت در مبارزه با گرفتاریها، باید وقت صرف کنند.
- محبت شیان‌گونه خدا را به یاد ایشان بیاورید (مزمور ۲۳).
- به ایشان یاد آوری کنید که خدا کل کائنات را و نیز وقایع کوچک و بزرگ زندگی را کنترل می‌کند.

خوشی کنید جا خوشحالات و ماتم خواهید جا ماتمیات. - رومیان ۱۵:۱۲

- مشکلات آنها را نادیده نگیرید.
- سعی نکنید «بطور ساختگی» ایشان را تشویق یا خوشحال نمایید. صادق و صمیمی باشید. به یاد داشته باشید که قبل از اینکه مشکلات به آنان ضربه بزنند، شما دوست ایشان بودید.
- محبتی را به آنها نشان دهید که اگر در موقعیت ایشان بودید، دوست داشتید که همین محبت را از سایرین ببینید.
- شنونده خوبی باشید.
- از میزان صدمه وارده به ایشان مطلع گردید.
- به آنها فرصت دهید تا شفا یابند. روند شفا را به تعجیل نیندازید.

۴۳

عیسی چقدر بر روی صلیب به خاطر شما زجر کشید تا شما را از تالوان گناه نجات بدهد؟ به او اعتماد کنید. هدیه رایگان آموزش او را دریافت نمایید. فقط در اوست که راه‌حلی پایدار برای مشکل درد در زندگیتان و در دنیا پیدا خواهید کرد.

۴۵